



قانون اساسی و نخستین قانون های مشروطه

سخنرانی م.ر. خوبروی پاک در انجمن پارسی زبانان ژنو

پیش از سخن گفتن درباره موضوعی که به من محول شده است، با اجازه دوستان عزیز، این نکته را یاد آور می شوم : که رویداد نگاری < کرونولوژی > را برای آسان کردن رابطه میان رویداد ها با گاه شماری امروزی اروپای غربی < گریگوری > می آورم . گاه شماری خورشیدی نیز در اختیار است که در صورت نیاز عرض خواهم کرد.

گفتار من در سه قسمت و عبارتست از :

۱ - تاریخچه جنبش مشروطیت و قانونگذاری

۲ - بررسی متمم قانون اساسی ایران

۳ - دستاوردهای جنبش مشروطیت و وضع قوانین



تاریخچه جنبش مشروطیت و قانونگذاری

قانونخواهی در ایران، از دورترین زمان ها با نام های برجسته ای چون بزرگمهر، عمید الملک ابونصر کُندری، خواجه نظام الملک طوسی، خواجه نصیر الدین طوسی آغاز شد و سپس این تشنگی به دوران نوین هم رسید. گفتگوی پر تشویش و دغدغه عباس میرزا نایب السلطنه، پس از شکست ایران از روسیه، با فرستاده دولت فرانسه که در آن نایب السلطنه به دنبال یافتن علل شکست ایران بود نشان آغاز دلمشغولی فرهیختگان زمان تازه است. از آن پس از میان دولتمردان، قائم مقام فراهانی، مجلس وزرا را ترتیب داد، امیر کبیر " خیال کنستیتوسیون " داشت و میرزا حسین خان سپهسالار در اردیبهشت ۱۲۵۰ خورشیدی برابر ۱۸۷۱م قانون " وزارت عدلیه اعظم و عدالت خانه های ایران " و قانون " تحدید حدود فیما بین حکام و رعیت " را وضع کرد و سپس لایحه " دارالشورای کبری " یا " دربار اعظم " را در ۳ آبان ۱۲۵۱ برابر ۱872م، را به تصویب شاه رسانید. این سه شخصیت، مانند دیگر دیوانیان نامبرده در ادامه تداوم دبیری در ایران قصد تاسیس دولت قانونی را داشتند. جنبش مشروطیت نیز در نخستین تعبیرش قانونخواهی مردم بود که بدبختانه هنوز هم این تشنگی سیراب نشده است.

آغاز جنبش مشروطیت را می توان از سال 1284 خورشیدی ۱۹۰۵ میلادی با مهاجرت دین دانایان و مردم، معروف به هجرت صغری، به شهری، دانست. مهاجران در آن زمان تقاضاهای خود را در هشت بند اعلام داشتند که بند 4 آن " بنای عدالت خانه ای در تمام شهرهای ایران برای جلوگیری از ستمگری های حکام " بود. یاد آوری می کنم که منظور از حکام تنها نمایندگان دولت مرکزی نبودند بل حضرات دین دانایان هم که در بیدادگری و مال اندوزی دستکمی از حاکمان عرفی نداشتند نیز در این مقوله جای داشته و دارند.



IRANWORLDINSTITUTE

پس از تنش و کشاکشی که میان مردم و دستگاه حکومتی رخ داد؛ مظفرالدین شاه، فرمان اول مورخ ۱۲۸۴ خورشیدی و ۱۹۰۵ میلادی را صادر کرد که در آن ایجاد عدالتخانه دولتی برای اجرای احکام شرع . . . و تعیین حدود و اجرای احکام شریعت پیش بینی شده بود. این فرمان اگر سوی مردم پذیرفته می شد، شاید دست دین دانیان را از بسیاری امور کوتاه می کرد و نوزائی مذهبی ایران هم آغاز می شد. اما دواصطلاح " عدالتخانه دولتی " و " اجرای احکام شرع و تعیین حدود و اجرای احکام شریعت " سبب رمیده شدن دین دانیان و تحریک مردم به مخالفت شد که مهاجرت کبیر به قم و بست نشینی را پیش آورد و شاه مجبور به برکناری عین الدوله و صدور فرمان معروف به فرمان مشروطیت مورخ ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی برابر ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی شد. در این فرمان ذکری از " عدالتخانه دولتی " نشده و آمده بود که :

" مجلس شورای ملی از منتخبین از شاهزادگان ، علما ، قاجاریه ، اعیان و اشراف، ملاکین، تجار و اصناف به انتخاب طبقات در دارالخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود که در امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را به عمل آورده و به هیئت وزرای دولتخواه ما در اصلاحات . . . اعانت و کمک لازم رابنماید . . . به عون اله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست افتتاح و به اصلاحات لازمه و اجرای قوانین شرع مقدس شروع نماید "

دین دانیان برای برای بار کردن بار سنگین فقه به قطاری در حال حرکت، که به قول سهراب سپهری " سیاست می برد " ، باز به تحریک مردم پرداختند تا اعتراض کنند. از این روی، سه روز پس از این فرمان، شاه مجبور به امضای مکملی برای فرمان خود شد که در آن شاه از منتخبین ملت نام برد و سپس " فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی موافق تصویب و امضای منتخبین، بطوری که شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب نمایند که به شرف عرض و امضای همایونی ما برسد . . . " ملاحظه می کنید که چگونه مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی دگرگون شد و از این پس قطار مشروطیت با بار سیاست و فقه ، باز هم به قول سپهری، " چه سنگین می رفت " . شروع دعوی مشروعه و مشروطه هم که از آن یاد خواهیم کرد از این تاریخ است.

پس از این فرمان، در جلسه ای مرکب از طبقات مختلف در روز ۲۶ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی برابر با ۱۸ اوت ۱۹۰۶ میلادی نظامنامه انتخابات (در مدت ۱۳ روز) تشکیل شد و در کمتر از یک ماه بعد یعنی در روز ۱۶ شهریور ۱۲۸۵ خورشیدی ۸ سپتامبر ۱۹۰۶ نظام نامه انتخابات به توشیح شاه رسید . سپس باز هم در



IRANWORLDINSTITUTE

کمتر از یک ماه گشایش رسمی مجلس با حضور شاه در 14 مهر 1285 برابر 7 اکتبر 1906 میلادی برگزار شد.

شمار نمایندگان مجلس اول 169 نفر و ازطبقات ششگانه بودند: علما، شاهزادگان، ملاکین، اصناف و ایلات. بیشترین نمایندگان را اصناف داشتند. از این شمار تنها بیست نفر تحصیلات جدید داشتند.

فردای روز گشایش مجلس، نمایندگان، صنایع الدوله را به ریاست خود برگزیدند و او اعلام کرد که تهیه و تصویب مقررات داخلی مجلس و قانون اساسی باید بر هر کار دیگری مقدم شمرده شود و هر چه سریع تر انجام گیرد.

از این روی، نظامنامه داخلی مجلس در تاریخ 29 مهر 1285 خورشیدی برابر 22 اکتبر 1906 میلادی، یعنی در کمتر از پانزده روز، تصویب شد و سپس کار تدوین قانون اساسی با شتاب آغاز شد. علت شتاب این بود که بیماری مظفرالدین شاه هر روز شدت می گرفت و بیم آن بود که با مرگ وی، کار تصویب قانون اساسی با مشکل روبرو شود. از این روی، مجلسیان به سرعت پیش نویسی آماده کردند و برای شاه فرستادند. پس از چند تغییر به خواست شاه، در روز 8 دی 1285 خورشیدی برابر 30 دسامبر 1906 مظفرالدین شاه که آخرین روزهای عمر خود را می گذراند، قانون را توشیح کرده به این ترتیب روز هشت دی ماه 1285 شمسی یا 30 دسامبر 1906 را می توان زاد روز قانون اساسی ایران نامید.



IRANWORLDINSTITUTE

طرح اولیه قانون اساسی به تعبیر کسروی، بوسیله فرزندان نصراله مشیرالدوله صدراعظم، حسن پیرنیا و حسین پیرنیا " موتمن الملک " ترجمه و نوشته شده است. از موارد نوآوری های این قانون می توان از اصول 15 و 16 آن یاد کرد که برابر آن مجلس می تواند در همه امور با رعایت اکثریت آراء آنچه را که صلاح و مصلحت بداند به عرض برساند. دو دیگر آن که کلیه قوانینی را برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی لازم است تصویب کند. این دو ماده صریحا با فرمان سوم مظفرالدین شاه و در نتیجه با هدف های پوشیده ولی مکرالود آخوندها مابینت دارد افزون بر آن، در همه قانون، مجلس به عنوان شورای ملی خوانده شده نه به نام شورای اسلامی .

اما، با توجه به شتاب نمایندگان، این قانون اساسی بگونه ی کامل و منسجم از آب در نیامد و از دیدگاه حقوقی، نام نظامنامه سیاسی، شایسته تر از قانون اساسی است.

به نظر می رسد قانون اساسی با استفاده از قوانین اساسی کشورهای بالکان و بویژه روسیه تزاری تدوین شده باشد. یکی از قرائن همانندی، شکل قوه مقننه در این قانون است که از دو مجلس شورای ملی و سنا تشکیل می شده که نیمی از نمایندگان سنا را - مانند روسیه - شاه انتخاب می کرد. قرائن دیگری نیز وجود دارد مانند: شباهت جنبش مردم در ایران با تنش های مداومی که در روسیه آن زمان رخ می داد یا پیام تزارنیکلای دوم - در اکتبر 1905 - که بی شباهت به صدای انقلاب شما را شنیدم نبود - برای تشکیل مجلس و تهیه قانون اساسی که با فرمان مظفر الدین شاه هم شباهت فروانی دارد. تا آنجا که من می دانم تا کنون تحقیقی در باره این همانندی ها به عمل نیامده است و شاید چنین بررسی، بتواند توهم دائی جان ناپلئونی درباره اختراع جنبش مشروطیت بوسیله انگلیسی ها را برطرف کند.

نظامنامه سیاسی یا قانون اساسی شامل ۵۱ ماده بود که به ترتیب زیر تقسیم می شد: در تشکیل مجلس - در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن - در اظهار مطالب به مجلس - عنوان مطالب از طرف مجلس و در شرایط تشکیل مجلس سنا. بنا بر این سخنی از عدالت خانه و حقوق و آزادی های مردم در آن نبود.

این اصول بسیار کلی به گونه ای بود که مدتی پس از اجرای آن کشمکش هائی میان دولت و دربار با مجلس رخ می داد. از این روی، فکر نوشتن متممی برای آن پاگرفت و مجلس شورای ملی به تدوین متمم پرداخت.



IRANWORLDINSTITUTE

گفت وگو بر سر مواد این قانون، به ویژه در مورد نحوه و میزان نظارت علما بر مصوبات مجلس شورای ملی، به بروز اختلافاتی انجامید که دعوی مشروعه و مشروطه خوانده می شود .

از جمله دلایل مخالفت بامتمم قانون اساسی می توان گفت که محمد علی شاه اصطلاح مشروعه را به عنوان مسلمانی خود مطرح می کرد و آخوندها با اصل هشتم یعنی متساوی الحقوق بودن مردم در برابر قانون، با تاسیس مدارس و ازاد بودن عامه مطبوعات برابر اصل نوزدهم و اصل بیستم مخالف بودند و افزون بر آن ها می خواستند قانون به تصویب هیئتی از علما برسد. خلاصه آن که تلاش آخوندها برای برقراری "مجلس دارالشورای کبرای اسلام" و نفی " کلمه ی قبیحه ی آزادی" بوده است.

متمم قانون اساسی، پس از کشمکش های فراوان سرانجام به تصویب مجلس رسید و برای توشیح به شاه عرضه شد. محمد علی شاه پیش از توشیح در ۱۴ مهر ۱۲۸۶ خورشیدی (۸ اکتبر ۱۹۰۷) اصطلاح به موهبت الهی را به ماده 35 قانون اساسی افزود. که برابر آن " سلطنت ودیعه ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه تفویض شده است" .

کوتاه سخن آن که مجلس اول بدون اشکال و خونریزی به وجود آمد ولی هنوز دوران زندگی خود را به پایان نبرده بود که به سبب درگیری با محمد علیشاه به توپ بسته شد و بین آن و مجلس بعدی فاصله زیادی افتاد. عمر مجلس اول تنها 20 ماه بود.

باری ، مجلس اول را می توانیم مجلس موسسان بنامیم؛ زیرا این مجلس پس از تهیه و تصویب قانون اساسی به تهیه متمم آن و دیگر قوانینی که می توان آن ها را قوانین پایه "Lois fondamentales" خواند می پردازد. مانند :

قانون نظامنامه داخلی مجلس که در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۰۶ میلادی برابر 29 مهر 1285 تصویب شد ؛



IRANWORLDINSTITUTE

قانون رشوه و مجازات آن ، ۲۰ اسفند ۱۲۸۵ خورشیدی 12 برابر مارس ۱۹۰۷ در باره این قانون و تاریخ تصویب آن مطمئن نیستیم؛

قانون انجمن های ایالتی و ولایتی در ۶ خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی ۲۸ می ۱۹۰۷؛ این قانون پیش از متمم تهیه شد و سپس در متمم قانون اساسی برای استحکام بیشتر انجمن ها، عنوان ویژه ای برای آن قائل شده اند تا مصون از تعرض " قوای مملکت " ی باشد.

قانون بلدیہ در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی برابر 3 ژوئن ۱۹۰۷؛

متمم قانون اساسی به تاریخ ۱۴ مهر ۱۲۸۶ خورشیدی ۸ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی ؛

قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستور العمل حکام ؛ ۱۸ آذر ۱۲۸۶ خورشیدی برابر ۱۰ دسامبر ۱۹۰۷ میلادی؛

قانون آزادی مطبوعات ۱۷ بهمن ۱۲۸۶ خورشیدی برابر ۷ فوریه ۱۹۰۸ میلادی؛

قانون تعیین مقرری دربار؛

قانون ممیزی، ۱ اردیبهشت ۱۲۸۷ خورشیدی برابر 1907؛

قانون وظایف 21 آوریل ۱۹۰۸ میلادی؛

افزون بر این قانون ها می توان از نسخ قاعده تسعیر در امور مالیاتی - نسخ قاعده تیول - قطع قسمتی از مستمری ها - جمع آوری تفاوت عمل با اصل مالیات



بررسی متمم قانون اساسی

از میان همه قانون های یاد شده ، متمم قانون اساسی ، از همه مهم تر و با ارزش تر است. از این رو، با اجازه دوستان توضیحاتی درباره آن را بیان می کنم. در متمم قانون اساسی مفاهیم نوین "حقوقی" و "سیاسی" با مفاهیم و ارزشهای سنتی در هم آمیخت از جمله اصل برابری افراد در برابر قانون، هرچند به ابهام ، اما سرانجام رسمیت یافت.

از میان 107 اصل این قانون، بر حسب شمارشی که به عمل آورده ام 75 اصل آن یا به تمامی یا با تغییراتی از قانون اساسی 183 بلژیک گرفته شده است. با آن که قانون اساسی بلژیک در سال 1893 بازنگاری شده بود ولی تهیه کنندگان قانون از همان قانون اساسی 183 استفاده کردند.

اعضای تدوین کننده متمم قانون اساسی : سعد الدوله ، حسن تقی زاده ، مشاورالملک ، حاجی امین الضرب، حاجی سید نصراله و مستشار الدوله بودند. نویسندگان و اعضای مجلس آگاهی به وضع مملکت و اوضاع و احوال حاکم بر آن داشتند . نگاهی کوتاه به گفته های نمایندگان دوره اول مجلس حتی کسانی که به کسب و کار و حرفه خود مشغول بودند مانند مشهدی باقر بقال، نماینده صنف بقال، گویای دلمشغولی آنان برای توسعه و ترقی کشور است. مشهدی باقر می گوید وظیفه یک وکیل این است که از کشته شدن و مردن خوف نداشته باشد، تا اینطور نباشد نمی شود به آزادی در اینجا نطق کرد! همین مشهدی باقر است که به آخوندها می گوید : " آقایان قربان جدتان بروم، ما اصناف و یقه چرکین ها و مردم عوام این اصطلاحات غلیظ عربی را نمی فهمیم. ما چیزی را که به زحمت و خون دل و این همه مجاهدت گرفته ایم اسمش مشروطه است. ما با این لفظ پردازی ها مشروطه خود را از دست نمی دهیم " همین جمله سبب شد تا اصرار جمعی از آخوند ها به حذف واژه مشروطه و جانشین کردن آن با مشروعه منتفی شود.



IRANWORLDINSTITUTE

برای آسانی درک متمم قانون اساسی ، آن را به چند بخش تقسیم کرده ام :

بخش یکم متمم قانون اساسی، هفت اصل اول آن است که به اصول و مبانی کلی نظام مانند مذهب، مراقبت علمای اعلام، پایتخت کشور، بیرق و الوان آن ، جان و مال اتباع بیگانه و تعطیل بر دار نبودن مشروطیت می پردازد. از موارد جالب در این قسمت آن که، از زبان رسمی کشور نامی نبرده اند با آن که قانون اساسی بلژیک ماده خاصی برای آن داشت؛ اما استفاده از زبان فارسی آنقدر برای پدران بنیانگذار قانون اساسی بدیهی بود که آنان لزومی به تصریح آن ندیدند. آخر در صد سال پیش از این ما هنوز این همه نخبگان محلی منتظر الریاست جمهوری نداشتیم! ! بگذریم.

بخش دوم متمم، از اصول هشتم تا بیستم و ششم، در بیان حقوق و آزادی های ملت بود. در زمینه حقوق مدنی، آزادیهای شخصی. اما خاری که بیش از همه به چشم آخوند ها می خلید؛ اصل هشتم در باره برابری افراد بود. اصل نهم متمم قانون اساسی افراد مردم را از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض می دانست. اصل دهم متمم قانون اساسی مصونیت افراد مملکت در برابر قوای دولتی را تضمین میکرد. در همین بخش آزادی تحصیل علوم، تاسیس مدارس، آزادی مطبوعات و اجتماعات و مصون بودن مراسلات پستی هم آمده است.

بخش سوم متمم قانون اساسی را می توان از اصل 26 تا اصل 90 متمم دانست که راجع به قوای مملکتی و تفکیک سه قوه از یکدیگر و شرح جزئیات وظایف و اختیارات آنان دانست. در اصل 29 استثنائی بر اصول کلی تفکیک قوا وارد کرده اند و آن این است که منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک به تصویب انجمن ها خواهد رسید. به نظر من این ماده با توجه به سابقه تاریخی ایران یکی از بزرگترین نوآوری های مشروطیت برای اداره امور داخلی ایران بود.

قواعد مربوط به انجمن های ایالتی و ولایتی ، مالیه ، قشون به ترتیب، بخش چهارم متمم را تشکیل می دهد. با شناختن "اقتدارات محاکمات" و اصل 71 که صلاحیت آخوند ها را تنها به امور شرعیه محدود کرد؛ اقتدار حاکمان شرع محدود شد و راه خودسری دولت در پیگرد ، آزار و نابودی آزادیخواهان، بسته شد. زیرا در صد سال پیش از این، در اصل 72 جرائم سیاسی به رسمیت شناخته شد و رسیدگی به این گونه



جرائم و جرائم مطبوعاتی در اصل 77 و 79 تابع شرایط ویژه ای شد و بازهم صد سال پیش از این، هیئت منصفه برای جرائم سیاسی و مطبوعاتی ایجاد شد.

این قانون . پنج بار بازنگری شد ولی اساس آن برجاماند. این پنج بار عبارت است :

- بار اول برای تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی
- بار دوم تفسیر ماده استقلال قضات در زمان وزارت دادگستری علی اکبر داور.
- بار سوم برای تفسیر ایرانی الاصل بودن ملکه در ازدواج ولیعهد با فوزیه.
- بار چهارم برای دادن حق انحلال مجلس به شاه.
- بار پنجم پس از انحلال مجلس بیستم و تصویب مواد ششگانه انقلاب سفید.

حال ببینیم این جنبش و این قانون هائی که تصویب شده چه سودی برای مردم ایران داشت .

دستاوردهای جنبش مشروطیت و وضع قوانین :

با صاحب رای شدن مردم و تشکیل مجلس شورای ملی : حاکمیت ملی پدید آمد، وضع قوانین بر عهده نمایندگان مردم گذاشته شد؛ دگرگونی استبداد فردی و گسست در حقوق الهی پادشاه رخ داد، دولت خودکامه دگر گشت و شهروند جای رعیت را گرفت؛ مهمتر از همه آن که فرد به رسمیت شناخته شد و حقوق اساسی مردم مانند: حق مشارکت در اداره امور خود با تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی، و از این راه ایجاد جامعه مدنی؛ نیرومند شده. تعیین حدود حکام ایالات و ولایات؛ صورت گرفت . کوتاه سخن آن که، با



IRANWORLDINSTITUTE

شکستن بتها و دور انداختن کلیشه ها از بیدادگری حاکمان، اعم از صاحبان عمامه و غیر آن ها، با وضع قانون های نوین کاسته شد.

قوانین این دوره ، به نظر من توانست از لحاظ سیاسی و حقوقی راه را برای هرچیزی که مدرن بود بگشاید. از ، مدارس جدید، تاسیس بانک، راه، راه آهن، وضع مالیات، مخالفت با نفوذ خارجی، و بودجه دولت تا استیضاح وزرا همه اینها و هر کدام یک کار مدرن در عرصه حقوق و سیاست است. اقتدارات محاکم، نوآوری و مدرنیزه کردن دادگستری را به ارمغان آورد . تاسیس ارتش ملی، ایجاد نیرو برای حفاظت از شهرها، مهتر از همه تهیه و تدوین قانون مطبوعات، قانون انجمن های ایالتی و ولایتی، قانون بلدی، قانون تشکیل ایالات و ولایات برای مدرنیزه کردن اداره کشور بود. یکی دیگر از بزرگترین کارهای مجلس اول این بود که تیول را غیرقانونی اعلام کرد. کاری انقلابی که کمتر از آن یادمی شود و یا من خبر ندارم.

در همین مجلس اول است که صنایع الدوله طرح آموزش همگانی را مطرح کرد و خواستار ساخت هزار مدرسه شش اتاقه برای هر سیصد دانش آموز شد. بنا به بر آوردی در آن دوره نزدیک به 3000 مکتب خانه تحت نفوذ ملایان قرار داشت و آموزش تنها در انحصار آنان بود. در جلسه ۵ آذر ۱۲۸۵ خورشیدی 27 نوامبر ۱۹۰۶ میلادی، لایحه ای از طرف بانوان در خصوص اقدام در تسهیل تحصیل و ترقی معارف دخترهای مملکت تقدیم مجلس شد.

اما، همه این کوشش ها برای زیر بنای اداری، فرهنگی و اقتصادی و ایجاد روحیه و فرهنگ لازم برای رساندن توده های مردم به سطح معقول، در حال شدن بود، که به نابودی کشیده شد .

با این همه ، قانون اساسی ایران از کمیاب ترین قانون های اساسی است که از زمان تصویب خود تا بهمن ۵۷ تداوم یافت و هرگز مردم به آن اعتراضی نکردند.



IRANWORLDINSTITUTE

برای سپاس از این همه بردباری از سوی شما ، سخن را با داستان شیرینی از یک اقتراح در مجله سخن به پایان می برم . در آن اقتراح از خوانندگان خواسته شده بود که از میان شخصیت های ادبی ایران کدام یک را ترجیح می دهند و چرا؟ رسول پرویزی نویسنده معروف ، که هنوز شلواریهایش وصله داشت ، پاسخ داده بود ابن السلام شوهر لیلی را به همه ترجیح می دهد و استدلال کرده بود که این مرد با همسرش لیلی زندگی خانوادگی معقولی داشت و سرش بکار خودش گرم بود. در این میان دیوانه ای به نام مجنون پیدا می شود و عاشق این زن محصنه " شوهردار" می گردد. از آن زمان تا تاریخ آن اقتراح و شاید تا هم اکنون هم - اگر گزمه های حاکمان اجازه دهند - شعر و داستان است که برای آن دیوانه و آن زن شوهر دار می سرایند و می نویسند ولی کسی از آن مرد محترم معقول که ابن السلام باشد یادی نمی کند و حرمت او را نگاه نمی دارد.

قانون اساسی ایران و متمم آن همانند ابن السلام بود. با این تفاوت که اگر لیلی یک عاشق دیوانه به نام مجنون داشت، لیلی قدرت عشاق زیادی بخود دید که آمدند و رفتند و هیچیک حرمت قانون اساسی را نگاه نداشتند. نخبگان ما هم پس از انقلاب برای تهیه قانون اساسی نوین حتی گوشه چشمی به این ابن السلام معصوم نیفکندند . اینان، بگفته برشت، باید از آیندگان بخواهند که با گذشت از آنان یاد کنند. برشت پس از برآمدن هیتلر این جمله را گفت.